Journal of Fiqh and Usul

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/

Vol. 55, No. 1: Issue 132, Spring 2023, p.9-29

Online ISSN: 2538-3892

Print ISSN: 2008-9139

Receive Date: 09-06-2021 Revise Date: 27-10-2021 Accept Date: 28-02-2022

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.70663.1118

Article type: Original

A critical analysis of the legitimacy of marrying a minor in order to create privacy

Dr. Seyed Mehdi Ahmadi Nik, Professor of Higher Levels of Holy Mashhad Seminary and Assistant Professor of Jurisprudence and Principles Department of Razavi University of Islamic Sciences, Email:Sm.ahmadinik@gmail.com

Abstract

One of the important and practical topics in Imamiyyah jurisprudence is the discussion of Sharia tricks including the temporary marriage of a minor or infant girl in order to create privacy with her mother, without any serious intention of marriage, neither by the minor's guardian nor by the person who wants to become "mahram" with the minor's mother. In this regard, opinions have been raised by jurists. Famous jurists have considered it as valid, permissible, and effective, and have issued a fatwa for the realization of privacy, and for this reason, it is popular among religious people and is easily performed. Famous jurists have considered it as valid, permissible, and effective, and have issued a fatwa for the realization of "Mahramiat", and for this reason, it is popular among religious people and is easily performed. However, some jurists, doubting its authenticity, have considered such a contract to be a problem and ruled that the marriage is not fulfilled. The writer has investigated this issue by descriptive and analytical method and using library tools and by analyzing the evidence and stating the problems of the popular view, he has come to the conclusion that the use of such an incorrect trick and the realization of privacy with it are faced with serious and fundamental doubts.

Key words: marrying a minor, establishing "Mahramiat", minor's mother, sharia trick

Journal of Fiqh and Usul

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/

سال ۵۵ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۳۲ - بهار ۱۴۰۲، ص ۲۹ - ۹

شاپا چاپی ۹۱۳۹-۲۰۰۸

شاپا الکترونیکی ۳۸۹۲-۲۵۳۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

نوع مقاله :پژوهشی

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.70663.1118

تحلیل انتقادی مشروعیت عقد بر صغیره به‌منظور ایجاد محرمیت

دکتر سیدمهدی احمدی نیک

استاد سطوح عالی حوزه علمیه مشهد مقدس و استادیار گروه فقه و اصول دانشگاه علوم اسلامی رضوی

Email:Sm.ahmadinik@gmail.com

چکیده

یکی از مباحث مهم و کاربردی در فقه امامیه، بحث از حیله‌های شرعی؛ ازجمله عقد موقت بر دختر صغیرهٔ غیرقابل التذاذ یا شیرخوار به‌منظور ایجاد محرمیت با مادر اوست، آن هم بدون قصد جدی بر ازدواج نه از سوی ولی صغیره و نه از سوی کسی که می‌خواهد با مادر آن صغیره محرم شود. دراین‌باره دیدگاه‌هایی از سوی فقها مطرح شده است. مشهور فقها آن را صحیح و جایز و دارای اثر دانسته و فتوا به تحقق محرمیت داده‌اند و به این‌خاطر در میان متدینان رواج دارد و به‌راحتی انجام می‌شود، اما برخی از فقها با تردید در صحت آن، چنین عقدی را محل اشکال دانسته و حکم به عدم‌تحقق محرمیت کرده‌اند. نگارنده به‌روش توصیفی‌تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای به‌بررسی این مسئله پرداخته و با تحلیل ادله و بیان اشکالات دیدگاه مشهور به این نتیجه دست یافته است که به‌کارگیری چنین حیله‌ای غیرصحیح و تحقق محرمیت با آن با تردید جدی و اساسی مواجه است.

واژگان کلیدی: عقد بر صغیره، ایجاد محرمیت، مادر صغیره، حیله شرعی

مقدمه

مسئلهٔ حیله از زمان‌های دور به گونه‌های مختلفی در جوامع بشری مطرح بـوده اسـت و در زمان‌هـای قدیم در روم باستان برخی به‌طورکلی آن را نوعی تدلیس و فریب می‌دانستند (کیهـانی، ۳۸/۱). بـر اسـاس آنچه نقل شده است در گذشته قوانین روم با وضع مجازات‌هایی جلوی حیله‌ها را گرفت (کاشانی، ۱۵). در آلمان، ایتالیا و روسیه نیز قوانینی در منع حیله تدوین شده بود (ذهنی بک، ۹۰ تا۹۵).

در اسلام قدیمی‌ترین نصی که بر اساس گفتار اندیشمندان مسلمان به موضوع حیله اشاره کـرده اسـت قرآن کریم در داستان اصحاب سبت (بقره: ۶۵تا۶۶؛ نساء: ۱۵۴؛ اعـراف: ۱۶۳تـا۱۶۶) اسـت (طبرسـی، ۷۵۷/۴؛ طباطبائی، محمدحسین، ۳۰۱/۸؛ زمخشری، ۱۷۰/۲؛ فخـر رازی، ۵۴۰/۳؛ ۳۹۰/۱۵؛ قرطبـی، ۳۰۵/۷). در زمان‌های گذشته در ایران نیز استفاده از حیله‌ها و چاره‌جویی‌های شرعی و قانونی رواج داشته است. برخی نوشته‌اند: استفاده از آن‌ها در بین مردم متعارف بوده است (مقدس اردبیلـی، ۴۳۷). در زمـان ناصرالدین شاه حیله‌گری آن‌قدر میان مردم به‌ویژه در خصوص بیع شرط رواج داشـته اسـت کـه شـاه بـرای جلوگیری از آن فرمانی صادر کرد (امامی، ۵۶۷/۱).

فقها نیز به‌دلیل اهمیت، حیله‌های شرعی را در ابواب مختلف فقه مطرح و بررسی کـرده‌انـد (طوسـی، المبسوط، ۹۵/۵؛ علم‌الهدی، الانتصار، ۸۳؛ محقق حلی، ۲۰/۳؛ شهید ثانی، مسالک الأفهـام، ۲۰۳/۹؛ فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، ۳۳۳/۳؛ صاحب‌جواهر، ۲۰۴/۳۲؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ۳۷۹/۲۵). در پژوهش‌های جدید نیز چند تألیف دراین‌باره وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۳– ۱۷). از دیرباز تاکنون عقد بر صغیره به‌منظور محرمیت با مادر او در فقه مطرح شده است (علم‌الهـدی، المسـائل الناصـریات، ۳۱۷؛ ابن‌زهره، ۳۴۲؛ حلی، یحیی‌بن‌سعید، ۴۳۹؛ علامه حلی، تـذکرة الفقهـاء، ۵۸۴؛ شـهید ثـانی، الروضـة، ۱۷۷/۵؛ اصـفهانی، ابوالحسـن، ۱۸۳/۳؛ گلپایگـانی، ۴۱۳، م۲۴۳۸؛ فـیض کاشـانی، الـوافی، ۱۷۰/۲۱؛ موسوی عاملی، ۱۳۳/۱؛ سیستانی، توضیح المسائل، ۴۸۵،م۲۳۸۸) و در مجلاتی نیـز در قالـب مقـالاتی ازجمله «نقدهای اخلاقی به نکاح صغیره از منظر اصول زندگی فردی و اجتماعی» در مجلهٔ اخلاق زیستی (زمانی و دیگران، ۱۰/۱) به بیان نقدهای اخلاقی وارد بر ازدواج با صغیره پرداخته و هیچ بحثی از تحقق یـا عدم‌تحقق محرمیت با مادر صغیره به میان نیاورده است. مقالهٔ «مبانی ممنوعیت استمتاع از زوجهٔ نابالغ در فقه امامیه» در مجلهٔ مطالعات راهبردی زنان (علمی سولا و محمدیان) که متمرکز بر بیان مبانی عـدم‌جـواز استمتاع از زوجهٔ نابالغ است و مقالهٔ «بررسی جرم ازدواج با کودک» در کتاب مجموعه مقالات (عظیم‌زاده اردبیلی و طوقانی‌پور) که به بررسی تزویج صغیره از سوی ولیّ او پرداخته است در قالب اسـتفتائات و غیـر این‌ها بررسی کرده است، اما حسب بررسی نگارنده هیچ‌کدام به بررسی تحلیلی عقد بر صـغیره بـه‌منظـور

ایجاد محرمیت با مادر او نپرداخته است و تاکنون پژوهشی به‌صورت مستقل و جامع مبتنی بر منابع فقهی و تفسیری همراه با تحلیل ادله و با رویکرد بیان نقدها و اشکالات دیدگاه رایج و مشهور در موضوع بحث و رد آن و اثبات عدم‌تحقق محرمیت با مادر صغیره با عقد بر صغیره صورت نگرفته است. نوشتار حاضر ازنظرِ جامعیت و گستردگی، تتبع و تحلیل ادله و بیان نقدهای وارد بر دیدگاه مشهور و بر فرازی عدم‌تحقق محرمیت با مادر صغیره به صرف عقدبستن بر صغیره دارای نوآوری است.

۱. مفهوم‌شناسی

أ. مفهوم لغوی حیله: واژه‌نگاران دربارهٔ حیله گفته‌اند: حیل جمع حیله و از مادهٔ حول به‌معنای دگرگونی و تغییر است (نک: ابن‌منظور، ۱۸۵/۱۱) و نیز گفته شده است: رَجُلٌ حُوَّل: ذُوحِیَل؛ یعنی کسی که مهارت و قدرت بر تصرف دارد یا حیله همان چاره است، اما باید شکل پنهانی داشته باشد و غالباً حیله بار منفی دارد و گاهی هم در موارد مثبت به کار می‌رود، به همین دلیل در وصف خداوند متعال گفته شده است: «وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ» (رعد: ۱۳) (نک: راغب اصفهانی، ۲۶۷) و نیز گفته شده است: «هو تحرک فی دور»؛ به‌معنای حرکتِ دورانی‌داشتن، عرب سال را به همین دلیل که دارای دوران است، حول می‌گوید (نک: ابن‌فارس، ۱۲۱/۲).

ب. مفهوم اصطلاحی حیله: دربارهٔ معنای اصطلاحی آن گفته شده است: «الحیلة هی حفظ ظواهر قوانین الشّرع و ان کانت روحها غیرموجودة» (مکارم شیرازی، بررسی طرق فرار از ربا، ۱۴)؛ حیله عبارت است از حفظ ظاهر قوانین شرع، اگرچه روح قانون موجود نباشد.

ج. مفهوم‌شناسی صغیره، عقد و نکاح: برخی از دانشیان دربارهٔ صغیره گفته‌اند: مؤنث صغیر است و دختر بچه‌ای است که به سن نه سالگی نرسیده باشد و «الصغیر خلاف الکبیر» (نک: ابوحبیب، ۲۱۲) و نیز گفته شده است: صغیر از ریشهٔ صغر، ضد کبر به‌معنای کوچک و خردسال است (نک: ابن‌منظور، ۴۵۸/۴؛ مقری، ۳۴۰/۱) و دربارهٔ معنای اصطلاحی آن هم گفته شده است: به کسی می‌گویند که به سن بلوغ شرعی نرسیده است (نک: جعفری لنگرودی، ۴۰۶).

دربارهٔ واژهٔ عقد هم برخی از لغت‌شناسان ابتدا این فراز از آیهٔ شریفهٔ سورهٔ مائده که می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) را آورده و سپس گفته‌اند: عقود جمع عقد به‌معنای قرارداد یا توافق بر امری است (نک: طریحی، ۱۰۳/۳) و نیز گفته شده است: «أَنَّ أَصلَ العَقْدِ نَقِیض الحَلِّ» (نک: مرتضی زبیدی، ۱۱۵/۵)؛ عقد نقیض حل است یا «اصل واحد یدلّ علی شدّ و شدّة وثوق... و عقد قلبه علی کذا فلاینزع عنه» (مصطفوی، ۱۸۸/۸). دربارهٔ نکاح گفته شده است: اصل نکاح برای عقد زناشویی است و

برای جماع استعاره شده است و محال است که اصل آن برای مقاربت بوده و بعداً بـرای عقـد بـه کـار رفتـه باشد؛ زیرا اسامی وضع‌شده برای جماع همه کنایه است؛ به‌دلیل اینکـه اسـتعمال صـریح آن قبـیح اسـت و محال است کسی که قصد فحشا نداشته باشد واژهٔ نکاح را به‌معنای جماع یعنی اسمی کـه ناپسـند شـمرده شده است برای اسم نیکوی آن استعاره بگیرد و به‌معنای مباشرت و عقد نکاح هم اسـت و در شـرع، نکـاح عقدی است لفظی که سبب تملک بر وطی و مباشرت می‌شـود (نـک: راغـب اصـفهانی، ۸۲۳؛ طریحـی، ۱۰۲/۳).

۲. حیله‌های شرعی، احکام، اقسام و دیدگاه‌ها

برخی گفته‌اند: درصورتی‌که حیله فی‌نفسه مباح باشد اسـتفاده از آن جـایز اسـت و اثـر نیـز بـر آن بـار می‌شود، ولی اگر فی‌نفسه حرام باشد اگرچه به کارگیری آن ممنوع و مستلزم گناه است، اما درصورتی‌کـه بـه کار گرفته شود اثر دارد (نک: محقق حلـی، ۲۰/۳؛ علامـه حلـی، تحریـر الأحکـام، ۷۹/۴؛ شـهید ثـانی، مسالک الأفهام، ۲۰۳/۹؛ فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، ۳۳۳/۳؛ آل‌عصفور، ۵۳۱/۱۴تا۵۳۷).

برخی از فقهای معاصر برای حیله دو تقسیم بیان کرده‌اند: ۱. حیلهٔ واقعی مثبت و مشروع، حیلهٔ واقعی منفی و مذموم و حیلهٔ صوری؛ ۲. حیله‌ای که با مقدمهٔ حلال و مباح به مطلوب حلال مـدِّنظر منتهـی مـی شود و حیله‌ای که حیله‌کننده با مقدمهٔ حرام و غیرمشروع، خود را به مطلوب حلال می‌رساند (نک: مکـارم شیرازی، حیله‌های شرعی، ۱۸). بر اساس مطالب پیش‌گفته حیله بنفسه نه به‌طور مطلق حـلال اسـت و نـه حرام و در بیان معیار شناخت حیلهٔ جایز از غیر آن می‌توانیم بگوییم: هر روش مشروعی کـه بـا آن اهـداف شریعت همانند عبودیت خداوند، پرهیز از نواهی آن یا احقاق حقوق ستمدیده یا انتقام از ستمگران محقـق شود، جایز و دارای ثواب است، ولی هر شیوه‌ای که به بازیچه قرارگـرفتن اهـداف شـریعت هماننـد اسـقاط واجب یا تحلیل حرام یا احیای باطلی بینجامد، بدون تردید جایز نیست.

دربارهٔ به‌کارگیری حیله‌های شرعی دیدگاه‌هایی وجود دارد:

۱. برخی از فقها به‌کارگیری آن را با صرف‌نظر از مصادیق، فی‌الجمله جایز شمرده و به آیاتی از قـرآن و نیز روایاتی استناد کرده‌اند (نک: طوسی، المبسوط، ۹۵/۵). برخی، روایـاتی را مبنـی‌بـر جـواز بـه‌کارگیری حیله‌های شرعی نقل کرده (نک: ابن‌بابویه، ۱۷/۳تا۲۸) و برخی دیگر ضمن شرح روایـات فـوق، روایـات دیگری را نیز بر آن‌ها افزوده‌اند (نک: مجلسی، ۵۹/۶).

۲. برخی به‌کارگیری حیله‌های منصوص را مجاز و غیرمنصوص را ممنـوع دانسـته‌اند (نـک: بحرانـی، الحدائق، ۳۷۵/۲۵).

۳. برخی هم قائل‌اند که چاره‌جویی با حیله‌های مباح جایز و با حیله‌های حرام گرچه جایز نیست، اما اگر به کار گرفته شود صرفاً سبب گناه می‌شود، ولی حیله و چاره‌جویی، صحیح و دارای اثر است (نک: محقق حلی، ۲۰/۳؛ علامه حلی، نهایة الأحکام، ۵۶۶/۲؛ حلی، محمدبن‌حسن، ۴۶/۴).

۴. به‌کارگیری حیله‌های شرعی مشروط به آن است که سبب نقض غرض شارع نباشد؛ برای مثال، اگر مردی به غرض محروم‌کردن همسر خود از ارث در مرضی که منتهی به فوتش می‌شود او را طلاق دهد، شارع حکم به بطلان چنین طلاقی می‌دهد و اثری بر آن بار نمی‌شود و همسر او از وی ارث می‌برد (نک: صاحب‌جواهر، ۲۰۳/۳۲؛ کاشف الغطاء، ۱۸۰).

۳. عقد موقت بر صغیره غیرقابل التذاذ به‌منظور ایجاد محرمیت با مادر او

یکی از حیله‌هایی که امروزه در بین مردم رایج و به‌منظور محرمیت انجام می‌گیرد این است که فردی دختر خردسال و صغیرهٔ غیرقابل التذاذ یا شیرخواری را که می‌خواهد با مادر او محرم شود با اجازهٔ ولیّ او به عقد موقت خود در می‌آورد، با آنکه هیچ‌گونه قصد جدی از سوی متعاقدان و نه ولیّ صغیره بر نکاح وجود ندارد. آیا به‌کارگیری چنین حیله‌ای برای ایجاد محرمیت صحیح است؟ دیدگاه‌های مختلفی در بین فقها وجود دارد. بسیاری از آنان اعم از متقدمان، متأخران و معاصران، حکم به جواز داده و تحقق محرمیت را پذیرفته یا به‌صراحت استناد به مشهور داده‌اند (نک: مفید، ۵۰۲؛ علم‌الهدی، المسائل الناصریات، ۳۱۷؛ طوسی، الخلاف، ۲۷۵/۷؛ ابن‌زهره، ۳۴۲؛ حلی، یحیی‌بن‌سعید، ۴۳۹؛ علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ۵۸۴؛ ابن‌فهد حلی، ۲۳۳/۳؛ صیمری، ۴۹/۳؛ شهید ثانی، رسائل، ۱۱۹۶/۲؛ همو، الروضة البهیة، ۱۷۷/۵؛ موسوی عاملی، ۱۳۲/۱؛ فیض کاشانی، الوافی، ۲۶۵/۲؛ فاضل هندی، ۱۷۵/۷؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ۳۸۳/۲۵؛ همو، همان، ۴۴۵/۲۳تا۴۵۴؛ همو، الدرر النجفیة، ۲۳۲/۲؛ طباطبائی، علی‌بن‌محمد، ۱۷۳/۱۱؛ اصفهانی، ابوالحسن، ۱۸۳/۳؛ گلپایگانی، ۴۱۳، م۲۴۳۸؛ خویی، منهاج الصالحین، ۲۷۴/۲؛ روحانی، ۲۳۳/۲۱؛ وجدانی فرخ، ۶۰۵/۹؛ فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ۴۲۵ م۲۲۸۳؛ همو، تفصیل الشریعة، ۲۲۳؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ۵۷/۲ م۱۵۷؛ شریفی اشکوری، ۳۹۰/۱). برخی دیگر هم اصل متعهٔ صغیره را تجویز کرده‌اند و گفته‌اند: متعه‌کردن صغیره جایز است، ولی اگر مدت کم باشد به‌اندازه‌ای که استمتاع ممکن نباشد اشکال دارد و احتیاط در ترک است (نک: خویی، منهاج الصالحین، ۲۷۴/۲) و برخی نیز از قول فقیه دقیق اما غیرمعروف جناب ابن‌ابی‌عقیل آورده‌اند: حرمت مادرِ زنی که بر او عقد بسته‌شده مشروط به عمل زناشویی با آن زن است (نک: موسوی عاملی، ۱۳۲/۱).

برخی از فقها در صحت عقد اشکال کرده و محرمیت را نیز منتفی دانسته‌اند (نک: اصفهانی، ابوالحسن، ۱۸۳/۳؛ گلپایگانی، ۴۱۳، م۲۴۳۸). برخی فرموده‌اند: احتیاط به این است که مادر او حرام اما نظر محرمانه هم به او جایز نیست (نک: خمینی، تحریر الوسیلة، ۲۴۸/۲؛ همو، توضیح المسائل، ۳۵۵، م۲۴۲۹). برخی نیز با اشاره به بحث‌هایی در مفروض بحث با تردید از آن گذشته‌اند (نک: فیض کاشانی، الوافی، ۱۷۰/۲۱). یا نوشته‌اند: و المسئلة قويّة الاشكال (نک: موسوی عاملی، ۱۳۳/۱) و برخی هم گفته‌اند اگر دختر قابلیت تلذذ را نداشته باشد، صحت عقد محل اشکال است (نک: سیستانی، توضیح المسائل، ۴۸۵، م۲۳۸۸).

۴. ادلهٔ مشهور

برای قول مشهور مجموعاً به سه دلیل استناد شده است، اما باتوجه‌به اشکالات وارده هیچ‌کدام از آن‌ها پذیرفتنی نیست.

أ. آیهٔ شریفه: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهاتُكُمْ وَ بَناتُكُمْ وَ أَخَواتُكُمْ وَ عَمَّاتُكُمْ وَ خالاتُكُمْ وَ بَناتُ الْأَخِ وَ بَناتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهاتُكُمُ اللاَّتی أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَواتُكُمْ مِنَ الرَّضاعَةِ وَ أُمَّهاتُ نِسائِكُمْ وَ رَبائِبُكُمُ اللاَّتی فی حُجُورِكُمْ مِنْ نِسائِكُمُ اللاَّتی دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلاجُناحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلائِلُ أَبْنائِكُمُ الَّذينَ مِنْ أَصْلابِكُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلاَّ ما قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كانَ» (نساء: ۲۳).

در استدلال به آیه چنین گفته شده است که بر مادر صغیره‌ای که فردی عقد محرمیت با صغیره بسته است، ام‌الزوجه صدق می‌کند و بر اساس آیهٔ شریفهٔ «وَ أُمَّهاتُ نِسائِكُمْ»، ام‌الزوجه (مادرزن) بر انسان محرم و نیز ازدواج با او حرام است، چه دخول به بنت صورت گرفته یا نگرفته باشد (نک: علم‌الهدی، المسائل الناصریات، ۳۱۷؛ طوسی، الخلاف، ۲۷۵/۷؛ علامه حلی، قواعد، ۴۸/۷؛ ابن‌فهد حلی، ۲۳۳/۳؛ صیمری، ۴۹/۳؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ۱۷۷/۵؛ نراقی، مستند الشیعة، ۳۰۲/۱۶؛ صاحب‌جواهر، ۳۵۰/۲۹؛ حکیم، ۱۸۳/۱۴؛ مغنیه، ۴۵۷/۲؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۲۹/۳). این استدلال اشکالاتی به شرح زیر دارد:

۱. برخی استدلال فوق به این آیه را به استناد اینکه جملهٔ «مِنْ نِسائِكُمُ اللاَّتی دَخَلْتُمْ بِهِنَّ» را قید برای حکم مستفاد از حرمت در اول آیه می‌دانند (شبیری زنجانی، ۴۶۴/۸) به‌صراحت رد کرده و محرمیت مادرزن را متوقف بر دخول به زن دانسته‌اند.

۲. باتوجه‌به اینکه در چنین عقدی قصد ازدواج از سوی هیچ‌کدام نه زوج و نه ولیّ صغیره وجود ندارد، ما شک داریم که زوجیتی تحقق یافته یا نه؟ اصل تحقق‌نیافتن زوجیت است و با عدم‌تحقق زوجیت، ام

الزوجه بر مادر صغیره صدق نمی‌کند؛ درنتیجه موضوع محرمیت منتفی و استدلال به آیهٔ صحیح نیست.

۳. باتوجه‌به روایات صحیحه‌ای که به‌صراحت محرمیت و حرمت مادرزن متوقف بر دخول به زن شده است؛ ازجمله روایت جمیل‌بن‌دراج که سند آن بر اساس نقل شیخ صدوق (ابن‌بابویه، ۲۶۲/۳) صحیح و بر اساس نقل کلینی (۴۲۱/۵) حسن است (مجلسی، ۲۵۲/۸). برخی نیز هر دو نقل را صحیح دانسته‌اند (علامه حلی، قواعد الأحکام، ۵۱/۷) و نیز باتوجه‌به دو روایت صحیح حمادبن‌عثمان و منصوربن‌حازم (کلینی، ۵/ ۴۲۲؛ طوسی، الخلاف، ۲۷۴/۷؛ علامه حلی، قواعد الأحکام، ۵۱/۷)، استدلال به اطلاق آیه صحیح نیست (مجلسی، ۲۵۲/۸).

۴. برای تحقق محرمیت مادرزن، اشتراط دخول به زن، به اهل بیت پیامبر(ص) استناد داده شده است و در منابعی این اشتراط مستند به روایت هم شده است (کلینی، ۴۲۱/۵؛ طوسی، الخلاف، ۲۷۳/۷؛ نوری، ۴۰۱/۱۴). برخی هم گفته‌اند: همان طور که در خصوص ربیبه، تحقق محرمیت او متوقف بر دخول به مادر ربیبه است، دربارهٔ مادر زن نیز تحقق محرمیت متوقف بر دخول به دختر او است (ابن‌ابی‌عقیل بر اساس نقل علامه، نک: علامه حلی، قواعد الأحکام، ۴۹/۷).

۵. برخی استدلال به آیه را برای تحقق محرمیت به مجرد عقد و بدون دخول به زن مجمل دانسته‌اند (مجلسی، ۲۵۲/۸؛ شبیری زنجانی، ۴۷۴/۸). بنابراین، آیه ظهوری در تحقق محرمیت مادر صغیره به صرف عقد بر صغیره ندارد (مجلسی، ۲۵۲/۸) و لذا با عدم‌دخول به زن، آیه دلالت بر محرمیت مادرزن ندارد و نمی‌توان به آن استدلال کرد.

۶. برخی از فقهای معاصر در تفسیر آیهٔ مذکور صرف عقدبستن را سبب حصول محرمیت دانسته‌اند (نک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۲۹/۳)؛ اما در فقه با استدلال (چنان‌که در ادامه خواهد آمد)، تحقق محرمیت را نپذیرفته‌اند (همو، کتاب النکاح، ۴۸/۵).

ب. روایات: برای محرمیت به چند روایت نیز استناد شده است؛ روایت اسحاق‌بن‌عمار، روایت ابی بصیر، روایت غیاث‌بن‌ابراهیم و روایت ابی‌حمزه (طوسی، الخلاف، ۲۷۳/۷؛ حر عاملی، ۳۵۷/۱۴؛ علامه حلی، مسالک الأفهام، ۴۹/۷؛ صاحب‌جواهر، ۳۵۰/۲۹؛ نراقی، مستند الشیعة، ۳۰۲/۱۶؛ حکیم، ۱۸۳/۱۴؛ فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة، ۲۲۰) و چنان‌که برخی گفته‌اند (مجلسی، ۲۵۲/۸) این روایات برخی مرسل و برخی موثق است و دارای اشکالاتی به شرح زیر است:

۱. محرمیت در این روایات برای مادرزن ثابت شده است و در موضوع بحث که عقد بر صغیره صرفاً به منظور ایجاد محرمیت با مادر او بوده است، ما شک داریم که زوجیت تحقق یافته یا نه؟ اصل اقتضا می‌کند عدم‌تحقق زوجیت را و درنتیجه با انتفای زوجیت، موضوع محرمیت (مادرزن) منتفی است، پس این

روایات اساساً انصراف از مورد بحث دارد و به برای استدلال مفید کاربرد ندارد.

۲. چنان‌که در بحث اشکالات و نقدها بیان خواهد شد، این روایات، معارض با روایات صحیحه‌ای است که تحقق محرمیت مادرزن را مشروط به مباشرت با زن کرده است (کلینی، ۴۲۱/۵؛ ابن‌بابویه، ۲۶۲/۳) و در صورت تعارض، ترجیح با روایات صحیحه است و با عدم‌ترجیح و قول به تساقط هم اصل اقتضا می‌کند عدم‌محرمیت را.

۳. چنان‌که برخی گفته‌اند: مشهور بین عامه این است که به مجرد عقد، محرمیت تحقق پیدا می‌کند؛ (حکیم، ۱۸۷/۱۴) ازاین‌رو، این روایات موافق عامه است و از باب «خذ بما خالف العامه» استناد به این روایات صحیح نیست.

ج. اجماع: برخی برای اثبات محرمیت مادرزن در خصوص بحث، تمسک به اجماع کرده‌اند (علم‌الهدی، المسائل الناصریات، ۳۱۷؛ ابن‌زهره، ۳۳۶/۱؛ علامه حلی، قواعد الأحکام، ۴۹/۷)، اما باتوجه‌به اشکالاتی این دلیل نیز چندان درخورِ اعتماد نیست.

۱. اساساً برخی از فقها وجود چنین عقدی (عقد بر صغیرهٔ غیرقابل التذاذ) را در عصر معصومان(ع) انکار کرده و از مسائل نوپیدا دانسته‌اند و بنابراین چنین اجماعی کاشف از رأی معصوم(ع) نیست و فاقد ملاک حجیت است (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۲۶/۳).

۲. احتمال دارد که مستند مجمعین، ادلهٔ فوق باشد و درنتیجه اجماع محتمل‌المدرک است و چنین اجماعی حجیت ندارد (خویی، محاضرات فی الأصول، ۴۲۹۷/۳).

۳. با صرف‌نظر از دو اشکال گذشته، اجماع یادشده ناظر به محرمیت مادرزن است و دربارهٔ بحث، با عدم‌قصد واقعی بر زوجیت شک داریم که زوجیت تحقق یافته یا نه؟ اصل اقتضا می‌کند عدم آن را، بنابراین راجع به بحث، موضوع محرمیت (مادرزن) تحقق پیدا نکرده است تا برای حکم آن (محرمیت) به اجماع تمسک شود.

نگارنده، عقد موقت‌بستن بر صغیرهٔ غیرقابل التذاذ به‌منظور ایجاد محرمیت با مادر او که از سوی مشهور فقها به استناد دلائل یادشده مجاز و حکم به تحقق محرمیت داده شده است و در بین بسیاری از مردم نیز رایج شده است را واکاوی کرده است، علی‌رغم شهرت فتوائیه دراین‌باره، نظر به مقتضای عقد و نیز اشکالات وارد بر مشهور و قرائنی چند، تحقق محرمیت را مواجه با تردید جدی و اساسی دانسته است.

۵. مقتضای عقد، ماهیت و قوام عقد نکاح

بر اساس کلام برخی از اندیشمندان، مقتضای ذات هر عقدی نتیجه و اثر مستقیمی است که طرفین به

قصد حصول آن، عقد را منعقد می‌کنند؛ مثلاً مقتضای عقد بیع، ملکیت و نقل و انتقال است. مقتضای عقد، موضوع و مضمون اصلی عقد را تشکیل می‌دهد و مقصود اصلی متعاقدین است و به گفتهٔ برخی: مقتضای ذات عقد چنان به ماهیت عقد وابسته و ملازم با آن است که اگر به‌وسیلهٔ شرط گرفته شود، جوهر عقد نیز از دست می‌رود و از نگاه عرف موضوعی برای آن باقی نمی‌ماند؛ ازاین‌رو، برخی از فقها بطلان شرط خلاف مقتضای ذات عقد و به‌دنبال آن بطلان مشروط را پذیرفته‌اند و مورد اتفاق علمای امامیه و استمتاع در نکاح را مقتضای ذات و ماهیت نکاح و مرجع در تشخیص مقتضای عقد را عرف دانسته‌اند (نک: مراغی، ۲۴۸/۲). دربارهٔ معنای مقتضا نیز برخی چنین گفته‌اند که هرگاه گفته شود مقتضای آتش حرارت است؛ یعنی اثرش حرارت است و همچنین شوری و شیرینی، اثر یا مقتضای نمک و شکر است و نیز اثر السیف؛ ضربته (نک: شهیدی، ۱۱/۴؛ فراهیدی، ۲۳۷/۸).

بر این اساس، از یک سو قوام نکاح در عرف به تمتعات و ماهیت نکاح به قابلیت تمتع است و از سوی دیگر، مسئلهٔ نکاح امری عرفی عقلایی است که شارع آن را امضا کرده و در نگاه عرف، نکاح برای جایی است که امکان تمتع باشد ولو شوهر نخواهد و در فرض بحث امکان تمتع نیست، بنابراین چنین عقدی که صرفاً به‌منظور تحقق محرمیت و نه استمتاع بسته می‌شود در عرف بر آن نکاح اطلاق نمی‌شود و اگر کسی اشکال کند و بگوید: یکی از آثار نکاح محرمیت است و این‌ها تمتع نمی‌خواهند بلکه محرمیت می خواهند و همین به‌عنوان اثر برای نکاح کافی است، در پاسخ گفته می‌شود: هیچ‌وقت حکم موضوع خود را درست نمی‌کند، چون دور لازم می‌آید؛ زیرا ابتدا باید موضوع باشد تا احکام بر آن جاری شود و مصاهره و محرمیت از احکام است، پس باید اول ماهیت نکاح حاصل شود تا احکام مترتب شود و اگر بخواهد حکم موضوع خود را درست کند، لازم می‌آید که حکم قبل از موضوع باشد و محلی که صالح تمتع نیست، ماهیت نکاح در آنجا معقول نیست و در این صورت موضوعی برای حکم نداریم تا محرمیت تحقق یابد (نک: مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۴۸/۵). برخی نوشته‌اند: فلو لم یقصد من العقد حصول الزوجیّة الدائمیّة أو المنقطعة و لا التحلیل، بل کان المقصود مجرّد محرمیّة الأمّ- کما یتّفق کثیرا- لم یصحّ العقد (نک: نراقی، مستند الشیعة، ۳۰۷/۱۶)، درنتیجه چنین عقدی از اساس صحیح نیست تا اثری بر آن بار شود.

۶. اشکالات و نقدها

باتوجه‌به آنچه بیان شد و نظر به مقتضای عقد و اشکالات عدیدهٔ جدی و اساسی که بر نظریهٔ مشهور بیان می‌شود، این نظریه با تردید مواجه است و به‌آسانی پذیرفتنی نیست.

۱. برخی در تحقق عقود شرایطی را معتبر می‌دانند؛ ازجمله قصد اثری را که شـارع آن اثـر را بالإصـالة مسبب از عقد می‌داند و در نکاح، استمتاع و التذاذ مقصود بالإصالة و مسبب از عقد است. بر این اسـاس، در عقد بر صغیره که صرفاً قصد محرمیت با مادر صغیره شده، مقصود بالإصالة از نکاح قصد نشده اسـت؛ درنتیجه چنین نکاحی محل اشکال و به‌تصریح برخـی از فقهـا چنـین عقـدی سـبب شـرعی بـرای تحقـق زوجیت نیست و باطل است (میرزای قمی، رسائل، ۳۱۱؛ همو، جامع الشـتات، ۴۶۲/۴؛ نراقـی، مشـارق الأحکام، ۱۱۲تا۱۱۳).

۲. دربارۀ برخی از عقود مانند نکاح ممکن نیست که انسان تنها قصد ترتب یک اثر در خصوص بحث (محرمیت با مادر صغیره) را داشته باشد و نه سایر آثار آن را؛ زیرا نکاح از عقودی است که در خصوص آثار خود تجزیه‌بردار نیست (نراقی، مشـارق الأحکـام، ۸۰) و دربـارۀ بحـث زوج قصـد ترتـب تنهـا یـک اثـر (محرمیت) را دارد و درحقیقت به‌دنبال تجزیۀ آثار عقد است، ازاین‌رو چنین نکاحی محل اشکال است.

۳. قدر متیقن از ترتب اثر بر موضوع در جایی است که موضوع احراز شود. در فرض بحـث کـه صـرفاً یکی از آثار مترتب بر عقد نکاح (محرمیت با مادر او) قصد شده است نه سـایر آثـار، شـک داریـم کـه آیـا موضوع محرمیت (ام‌الزوجه‌بودن مادر صغیره با چنین عقدی) تحقق پیدا کـرده یـا نـه؟ اصـل عـدم‌تحقـق موضوع است، درنتیجه محرمیت هم بر آن بار نمی‌شود.

۴. قدر متیقن از صحت عقد و انشا نیز زمانی است که معنای الفاظ به‌کاررفته در آن عقد قصد شـود و در خصوص بحث، از سوی زوج و عاقد معنای الفاظ؛ یعنی استمتاع و عمل زناشویی قصـد نشـده اسـت، چنان‌که برخی به این مطلب تصریح کرده و نوشته‌اند: معانی عباراة العقـود لابـدّ أن تکـون مقصـودة، و إلّا لکانت فاسدة مثل عقود الغافلین و الهازلین، و معنی متّعتک بنتی: جعلتهـا متعتـک، و معنـی متعتـک: مـا یتمتّع به، تتمتّع بها شرعاً، و لم یقصد الأب نوعاً من أنواع التمتّـع أصـلاً (نـک: بهبهـانی، ۲۳۵)، درنتیجـه باتوجه‌به عدم‌قصد تمتع نه از سوی عقدکننده و نه پدر صغیره به‌عنوان ولیّ و طـرف عقـد، شـک داریـم کـه چنین عقدی صحیح است یا نه؟ اصل عدم‌صحت آن است و روشن است که اگر عقـد صـحیح نباشـد نـه زوجیتی و نه محرمیتی تحقق پیدا نمی‌کند.

۵. روشن است که تفکیک بین آثار مترتب بر موضوع جایز نیست و نمی‌توان با قصد ترتب یکی از آثار مترتب بر عقد، فقط آن اثر را مترتب کرد و نه سایر آثار آن را، زیرا تفکیک بـین آثـار مترتـب بـر موضـوع در اختیار کسی نیست؛ چراکه ترتب اثر بر موضوع تابع تحقق موضوع است، درنتیجه اگر موضوع تحقـق یابـد تمام آثار بر آن بار می‌شود والا هیچ‌کدام، ازاین‌رو نیز چنین عقدی اشکال دارد.

۶. قصد مقتضای عقد و اثر بارز آن از شروط صحت هر عقدی ازجمله عقـد متعـه اسـت و مقتضـای

متعه، حلیت استمتاع است ولی به‌دلیل آنکه در خصوص بحث، زوج هیچ قصدی راجع به مقتضـای عقـد متعه که بارزترین اثر آن حلیت استمتاع است ندارد، پس شرط صحت منتفی است و چنان‌که فقها در جـای دیگری گفته‌اند: اذا انتفی الشرط ینتفی المشروط لقاعدة انتفاء المشروط بانتفاء الشـرط (نـک: سـبزواری، ۹۰/۲۵). ازاین‌رو، به‌دلیل عدم‌قصد مقتضای عقد و درنتیجه انتفای شرط صحت، مشروط یعنـی زوجیـت هم منتفی می‌شود و با انتفای زوجیت محرمیتی هم با مادر معقوده پیدا نمی‌شود.

۷. برخی در اشکال بر چنین عقدی نوشته‌اند: الأصل بقاء ما کان علی ما کان حتّی یثبت خلافه (نـک: بهبهانی، ۲۳۳). قبل از عقد یقیناً مادر صغیره برای چنـین مـردی محـرم نبـوده و الان بـه‌دلیـل عـدم‌قصـد مقتضای عقد و نیز معانی الفاظ عقد شک در تحقق محرمیت داریم، استصـحاب عـدم‌محرمیـت مـانع از تحقق محرمیت می‌شود (نک: میرزای قمی، رسائل، ۳۱۲/۱).

۸. مذاق شارع در خصوص بانوان بر پاسداری از حریم عفاف و مستوریت آنان است و برخی از فقهای نامدار به مناسبتی به آن اشاره و آن را معلوم من عند الشارع کمعلومیه عدم البعلین للامرأة الواحدة دانسته‌اند (نک: صاحب‌جواهر، ۳۱۰/۳۰). بنابراین، اگر در فرض بحث، حکم به محرمیت مادر صغیره شود و چنین بابی گشوده شود، پیداست که برخی از آن سوءاستفاده می‌کنند و حریم عفاف و مسـتوریت بـانوان شکسـته می‌شود، لذا چنین حیله‌ای ازاین‌رو مخالف با مذاق شارع است و مخالفـت بـا مـذاق شـارع هـم صـحیح نیست.

۹. روایاتی وجود دارد که حکم به حرمت و محرمیت مادرزن را متوقف بر دخول به زن می‌کند و برخی آن‌ها را پذیرفته یا توقف را برگزیده‌اند (نک: ابن‌بابویه، ۴۱۵/۳؛ علامه حلی، مختلف الشیعة، ۴۹/۷تـا۵۳؛ ابن‌ابی‌عقیل به‌نقل از علامه حلی؛ صیمری، ۵۰/۳). این روایات می‌تواند شاهدی بر عدم‌تحقق محرمیـت با مادرزن به‌صرف عقد بر دختر صغیرهٔ او باشد. برخی از این روایات عبارت‌اند از:

أ. صحیحهٔ جمیل‌بن‌دراج و حمادبن‌عثمان از امام صادق(ع) که فرموده است: مـادر و دختـرش ازنظـرِ محرمیت یا حلیت نکاح تا زمانی که دخول تحقق نیافته است، یکسان‌اند. اگر یکی از این‌دو را تزویج کرد و سپس قبل از دخـول طـلاق داد بـا هرکـدام کـه بخواهـد می‌توانـد ازدواج کنـد (حرعـاملی، ۳۵۶/۷، ح۳؛ صاحب‌جواهر، ۳۵۰/۲۹).

باتوجه‌به اینکه روایت صحیحه است و به‌صراحت می‌گوید بعد از طلاق درصـورتی‌کـه دخـول نکـرده باشد با هرکدام که بخواهد می‌تواند ازدواج کند، درنتیجه در فرض بحث به‌صرف عقـد، محرمیـت محقـق نشده است.

ب. صحیحهٔ دیگرجمیل‌بن‌دراج در این روایت جمیل از امام صادق(ع) دربارهٔ مردی کـه بـا زنـی عقـد

ازدواج بسته و قبل از عمل زناشویی او را طلاق داده است، سؤال کرد که آیا می‌تواند با دختر او ازدواج کند؟ امام(ع) در پاسخ فرمود: مادر و دختر در این جهت یکسان‌اند تا هنگامی که عمل زناشویی با یکی از آن‌ها انجام نداده است با دیگری می‌تواند ازدواج کند (حر عاملی، ۳۵۶/۱۴، ح۶؛ طوسی، الإستبصار، ۱۵۶/۳تا۱۵۹).

این روایت نیز همانند روایت قبلی تحقق حرمت را مبتنی بر دخول دانسته و دربارهٔ صغیره دخولی صورت نمی‌گیرد، پس محرمیتی هم تحقق پیدا نمی‌کند.

ج. موثقهٔ اسحاق‌بن‌عمار؛ اسحاق‌بن‌عمار می‌گوید: به او (امام صادق یا امام باقر(ع)) عرض کردم مردی با زنی ازدواج و با او نزدیکی کرده است و پس از نزدیکی، آن زن فوت کرده است، آیا این مرد می‌تواند با مادر او ازدواج کند؟ در پاسخ فرمود: سبحان‌الله چگونه پس از دخول می‌تواند با مادر او ازدواج کند! ؟ عرض کردم: مردی با زنی ازدواج کرده است، قبل از عمل زناشویی با او آن زن فوت کرده است، آیا می‌تواند با مادر او ازدواج کند؟ فرمود: اگر عمل زناشویی انجام نداده، اشکالی ندارد (طوسی، الإستبصار، ۱۵۸/۳؛ همو، الخلاف، ۲۷۵/۷؛ حر عاملی، ۳۵۶/۱۴). ذیل این روایت نیز به‌صراحت دلالت بر عدم تحقق حرمت در صورت عدم‌دخول دارد و ازآنجاکه دربارهٔ عقد بر صغیره دخول منتفی است، پس به‌سبب روایت ازدواج با مادر صغیرهٔ برای عاقد جایز و عدم‌حرمت می‌تواند شاهدی بر عدم‌محرمیت باشد؛ زیرا که در صورت محرمیت، ازدواج با مادر صغیره نیز حرام است.

د. در روایتی از امام(ع) سؤال شده است که اگر مردی با خانمی عقد بست و خانم قبل از عمل زناشویی فوت کرد، آیا زوج می‌تواند با مادر او ازدواج کند؟ امام(ع) در پاسخ فرموده است: مانعی ندارد (حر عاملی، ۳۵۶/۷).

این روایات می‌تواند شاهد و مؤیدی بر عدم‌تحقق محرمیت باشد، زیرا جواز ازدواج با مادر صغیره در صورت عدم‌دخول کاشف از عدم‌تحقق محرمیت است.

ناگفته نماند که برخی از فقها و محدثان بر این روایات اشکال کرده و گفته‌اند: این روایات مخالف با کتاب است و حمل بر تقیه می‌شود و دربارهٔ مخالفت با کتاب چنین گفته‌اند: این‌گونه روایات مخالف با ظاهر آیهٔ ۲۳ نساء است که در بیان محارم به‌طور مطلق می‌فرماید: (وَ أُمَّهاتُ نِسائِکُم) و دخول در بنت را شرط نکرده است (نک: صاحب‌جواهر، ۳۵۰/۲۹؛ طوسی، الخلاف، ۲۷۵/۷؛ ابن‌زهره، ۳۳۶؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ۴۵۵/۲۳).

اما برخی دیگر اشکال مذکور مبنی‌بر مخالفت روایات با کتاب را وارد ندانسته و در جواب نوشته‌اند: این روایات هیچ‌گونه مخالفتی با قرآن کریم ندارد، زیرا جملهٔ «مِنْ نِسائِکُمُ اللاَّتی دَخَلْتُمْ بِهِنَّ» در آیهٔ فوق

را قید برای حکم مستفاد از حرمت در اول آیـه می‌داننـد (شـبیری زنجـانی، ۴۶۴/۸) و بنـابراین محرمیـت مادرزن متوقف بر دخول به زن است و در این صورت، روایات مذکور هیچ‌گونـه مخـالفتی بـا ظـاهر قـرآن ندارد. گفته شده است ماهیت زوجیت قابلیت تمتع است (نک: مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۲۷/۳)، بر این اساس در اینجا که قابلیت تمتع نیست زوجیتی هم نیست؛ درنتیجه «امهات نساءکم» هم مصداق پیدا نمی‌کند و مخالفت با کتاب هم پیش نمی‌آید.

علاوه بر این‌ها در جواب از اشکال مخالفت با کتاب می‌توان گفت: با شک در تحقق زوجیـت، اصـل عدم آن است. بنابراین، موضوع محرمیت که ام‌الزوجه است اساساً تحقق نیافته اسـت تـا مشـمول امهـات نساءکم باشد و مخالفت با کتاب پیش آید، درنتیجه ازآنجاکه حکم نمی‌تواند برای خود موضوع بسـازد؛ بـا چنین حیله‌ای محرمیت ایجاد نمی‌شود.

۱۰. تنقیح مناط نیز تحقق محرمیت را با مشکل مواجه می‌کند؛ با این بیان که عقد بر کبیره به‌شرط عدم استمتاع، اعم از دخول، لمس، نظر و... صحیح نیست، همانند آن است که کسی بیـع خانـه یـا هـر کـالای دیگری را مشروط کند به عدم‌تصرف مشـتری، در چنـین مـوردی همـه می‌گوینـد: چنـین شـرطی خـلاف مقتضای عقد است و باطل. بنابراین، به تنقیح مناط در جایی هم که قابلیت استمتاع نباشد، اعم از دخـول، لمس، نظر و... و قصد هم نشود همانند عقد بر صغیرۀ غیرقابل‌التذاذ نکاح باطل است؛ زیرا مقتضای عقـد متعه شرعاً و عرفاً و عقلاً استمتاع است و دربارۀ صغیره استمتاعی وجود ندارد (نک: مکارم شیرازی، کتـاب النکاح، ۱۲۷/۳).

۱۱. عقد بر صغیره به‌منظور محرمیت با مادر او در عصر معصومان(ع) احرازشدنی نیسـت و مشـکوک است، بلکه به‌دلیل نبودن اثری از آن در اخبار باب چنان‌که برخی از فقها گفته‌اند معلـوم‌العـدم و از مسـائل نوپیداست (نک: مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۲۶/۳)، تحقق محرمیت با مادرزن به‌صرف عقد بر دختر صغیرۀ او اگرچه مشهور فقها به آن فتوا داده‌اند اما چنین شهرتی بـه‌دلیـل نوپیـدابودن و مرسـوم‌نبـودن آن در عصر معصومان(ع) و احرازنشدن موافقت معصوم(ع) حجیت ندارد (نک: آخوند خراسانی؛ ۲۹۲؛ مظفـر، ۱۵۲/۲) یـا لااقـل حجیـت آن مواجـه بـا شـک و تردیـد اسـت و اصـل در هـر مشـکوک‌الحجیتـی هـم حجیت‌نداشتن آن اسـت (نـک: اصـفهانی، محمدحسـین، ۱۵۸/۳؛ ایروانـی، الإجتهـاد و التقلیـد، ۴۶۸؛ شیرازی، ۱۴)، بنابراین چنین شهرتی چندان درخورِ اعتماد نیست.

۱۲. باتوجه‌به حاکم‌بودن اصالةالفساد در چنین عقدی که شک در صحت و فساد آن داریم (نک: مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۲۷/۳) و نیز اشکالات عدیده از سـوی برخـی از فقهـا، چنـان‌کـه برخـی تحقـق محرمیت را در فـرض بحـث دارای اشـکال قـوی می‌داننـد (نـک: موسـوی عـاملی، ۱۳۳/۱) و برخـی بـا

وارددانستن اشکال امام خمینی(ره) آن را قوی و بالاتر از احتیاط دانسته‌اند (نک: مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۲۶/۳) و برخی دیگر صحت چنین عقدی را محل اشکال دانسته‌اند (نک: سیستانی، توضیح المسائل، ۴۸۵ م ۲۳۸۸؛ فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة، ۲۲۰)، نمی‌توان صحت چنین عقدی را پذیرفت.

۱۳. مهر و صداقی که از سوی زوج برای چنین متعه‌ای که هیچ بهره‌ای از آن نمی‌برد قرار می‌گیرد و درحقیقت مابه‌ازائی ندارد نیز سبب غرر است، چنان‌که برخی به این مطلب تصریح کرده و نوشته‌اند: الزوج [أعطی] هذا الدرهم بغیر شیء یجعل فی العقد بإزائه، فیکون مبنیّا علی الغرر و الضرر، و عدم‌تحقّق الذکر فیه (نک: بهبهانی، ۲۳۵).

۱۴. در برخی از روایات، متعه به عین مستأجره تشبیه شده است (کلینی، ۴۶۰/۵) و برخی از فقها نیز عقد بر صغیرهٔ غیرقابل استمتاع را با استفاده از روایات به اجاره تشبیه کرده و گفته‌اند: همچنان که در اجاره نباید زمان به‌طوری طولانی باشد که می‌دانیم موجر و مستأجر در آن زمان باقی نیست و مورد غیرقابل استفاده می‌ماند (یا زمانش نباید آن مقداری کم باشد) که امکان انتفاع از آن وجود نداشته باشد، زیرا در این صورت عقد سفهی خواهد بود، پس همچنین در خصوص متعه‌ای که قابلیت استمتاع نداشته باشد (صاحب‌جواهر، ۱۷۵/۳۰)، در فرض بحث، تملیک بضعی در قبال صداق صورت نمی‌گیرد، همانند قرارگرفتن مال‌الاجاره در برابر اجاره‌ای است که به‌دلیل کم‌بودن مدت هیچ استفاده از آن نمی‌شود، درنتیجه چنان‌که چنین اجاره‌ای باطل است؛ به تنقیح مناط چنین عقدی نیز باطل و بدون اثر است.

۱۵. برخی از فقها در مقام ذکر مؤید برای عدم‌تحقق محرمیت دراین‌باره آورده‌اند: چرا در مسئلهٔ جنین کسی قائل به ملکیت نیست (یعنی جنین مالک نمی‌شود) و در تقسیم ارث سهم ارث او را کنار می‌گذارند. اگر زنده متولد شد، سهم او را می‌دهند. آیا (در صورت تشخیص جنین) می‌شود جنین را برای کسی به اجازهٔ ولی عقد کنند؟ در اینجا کسی اجازه نمی‌دهد چون از موضوع خارج است؛ چراکه قوام موضوع نکاح متوقف است بر تمتعات که هیچ‌یک در جنین ممکن نیست (نک: مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۲۶/۳)، پس در عقد بر صغیرهٔ غیرقابل التذاذ نیز همین گونه است فلا یترتب علیه الاثر.

۱۶. قدر متیقن از صحت متعه از روایات متعه (نک: کلینی، ۵/ ۴۵۵؛ نوری، ۴۶۱/۱۴تا۴۶۴) آنجاست که تمتع یا بالفعل یا بالقوه وجود داشته باشد و ازآنجاکه در فر ض بحث، تمتع منتفی است؛ پس زوجیت منتفی است. برخی از فقها نیز به همین مطلب تصریح کرده و در عقد بر صغیره گفته‌اند: باید مدت محرمیت را به‌قدری طولانی در نظر گرفت تا صغیره به حد تمتع برسد ولو تمتع به غیردخول باشد که در این صورت عقد صحیح می‌شود (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۲۶/۳) و برخی نیز گفته‌اند: «آنچه از

ادله به دست می‌آید این است که حداقل زمان در متعه باید مقـداری باشـد کـه در آن قابلیـت تمتـع وجـود داشته باشد، حتی اگر ثمره‌ای همچون محرمیت یا جواز نظر برای آن متصور باشد. پس اگر عقد بـر صـغیره را برای مـدت چنـد سـال قـرار دهنـد کـه تـا آن زمـان قابـل تمتـع شـود، بلااشـکال کـافی خواهـد بـود» (صاحب‌جواهر، ۱۷۶/۳۰). بنابراین، به‌دلیل اینکه دربارۀ بحث چنین مـدتی کـه رسـیدن بـه حـد قابلیـت استمتاع باشد منظور نمی‌شود، بلکه برای مدتی اندک مثلاً یک یا دو ساعت یا یک یا دو روز یـا یـک یـا دو هفته است، پس احتمال تحقق استمتاع برای آینده و درنتیجه صحت نیـز منتفـی اسـت؛ درنتیجـه زوجیتـی تحقق نمی‌یابد تا اثری بر آن بار شود.

۱۷. یکی دیگر از شواهد و قرائن علیه نظریۀ مشهور روایاتی است که در باب تزویج صـغیره بـه‌وسـیلۀ پدر یا ولیّ او انجام گرفته است اما صغیره بعـد از بلـوغ راضـی بـه ازدواج بـا آن مـرد نیسـت کـه از پیـامبر اسلام(ص) از حکم چنین تزویجی سؤال می‌شود، پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: بعد از رسیدن به سن بلوغ اختیار با خود اوست اگر خواست قبول می‌کند والا رد و درحقیقت همین خواست او معیار صـحت ازدواج است و در صغیره غیرقابل التذاذ رضایت صغیره احرازشدنی نیست (نک: ابن‌زهره، ۳۴۳).

۱۸. برخی از مفسران و فقیهان در آیۀ ۲۴ سورۀ نساء با نقل روایتی آن را دلیل بر متعه یـا نـاظر بـه متعـه می‌دانند (نک: قمی، تفسیر القمـی، ۱۳۶/۱؛ عیاشـی، ۲۳۳/۱؛ طبرانـی، ۲۰۰۸:۲۱۸؛ مقاتل‌بن‌سـلیمان، ۳۶۷/۱؛ طوسی، تبیان، بی‌تا: ۱۶۳/۳) و به گفتۀ برخی مراد از متعه همـان التـذاذ اسـت (طبرسـی، ۵۲/۳؛ علم‌الهدی، الانتصار، ۲۶۸- ۲۷۰). بر این اساس، بسیاری از اندیشمندان آیه را ناظر به عقد متعه می‌داننـد و اصل و بنیاد متعه را هم بر تمتع می‌دانند. ازاین‌رو، برخی از فقها بـا تردیـد در تحقـق محرمیـت حتـی در صورت اشتراط مدت زمانی‌که قابلیت استمتاع بیابد بـدون فعلیـت‌داشـتن تمتـع، گفته‌انـد: لاریـب فـی أن الأحوط عدم الاکتفـاء فـی جریـان أحکـام المصـاهرة و نحوهـا بمثـل هـذا العقـدکما هـو واضـح (نـک: صاحب‌جواهر، ۱۷۶/۳۰). برخی هم گفته‌اند: آیه، ظهور در فعلیـت اسـتمتاع دارد و در خصـوص بحـث، فعلیت استمتاع از صغیره منتفی است؛ پس عقد متعه هم صحیح نیست (نک: بهبهـانی، ۲۳۴). برخـی از فقهای معاصر نیز در موردی که دختر قابلیت تلذذ را نداشته باشد، در صحت عقد اشـکال کرده‌انـد (نـک: سیستانی، توضیح المسائل، ۴۸۵ م ۲۳۸۸؛ گلپایگانی، ۴۱۳، م۲۴۳۸). بر اساس ظهور آیۀ شریفه، التذاذ از ارکان اساسی عقد متعه است و اگر التذاذ امکان نداشته باشد، زوجیت و نیـز محرمیـت هـم خودبـه‌خود منتفی است.

۱۹. برخی دربارۀ عقد بر صغیره به‌منظور محرمیت با مادر او گفته‌اند: در روایات، احکـام زوجیـت بـر لفظ (انکحت و زوجت) مترتب نشده است تا اگر اجل (مدت) یک دقیقه هم باشد کفایت کند و آن احکام

مترتب شود، بلکه احکام مذکور بر نفس زوجیت مترتب می‌شود، لذا برای ترتیب این آثار باید ازدواجی هرچند انقطاعی که آن نیز از مصادیق زوجیت است صورت گیرد و چون در عقد بر صغیره به‌مدت یک لحظه عرفاً زوجیت صدق نمی‌کند، لذا احکام آن مثل محرمیت ام‌الزوجه نیز مترتب نمی‌شود (شبیری زنجانی، ۱۷۴/۱۹).

۲۰. بدون شک، صحت عقد حکمی است شرعی و حکم شرعی متوقف بر دلیل است و بنا بر اشکالات مذکور دلیلی قانع‌کننده بر صحت چنین عقدی وجود ندارد. افزون بر اینکه، صحت عبارت است از ترتب اثر شرعی و در صورت شک در ترتب اثر شرعی، اصل عدم‌ترتب اثر است (نک: بهبهانی، ۲۳۳).

باتوجه‌به نکات پیش‌گفته، دیدگاه مشهور اشکالات گوناگون و اساسی دارد و پذیرش آن با تردید جدی مواجه است.

نتیجه‌گیری

بحث از حیله‌های شرعی در ابواب متعددی از فقه مطرح است، اما فقها در استفاده از آن‌ها دیدگاه واحدی ندارند و در کاربرد آن اختلاف‌نظر دارند.

یکی از این حیله‌ها عقدبستن بر صغیرهٔ غیرقابل‌التذاذ یا شیرخوار به‌منظور محرمیت با مادر اوست. مشهور فقها فتوا به جواز آن داده‌اند و در میان متدینان نیز به‌منظور فرار از برخی از تنگناهای رعایت پوشش و راحتی بیشتر در مراوده با افراد مدِّنظر رایج و مرسوم شده است.

اما باتوجه‌به اینکه از یک سو در چنین عقدی تنها قصد تحقق محرمیت می‌شود و نه مقتضای عقد (زوجیت) و نه معانی الفاظ که استمتاع است و از سویی دیگر آیهٔ متعه (نساء: ۲۴) و روایات مربوطه ظهور در موردی دارند که امکان استمتاع وجود داشته باشد و نیز عدم‌حجیت شهرت فتوائیه باتوجه‌به عدم‌وجود چنین عقدی در زمان ائمهٔ مصومان(ع) چنان‌که برخی از فقها به آن تصریح کرده‌اند و نیز عدم‌تحقق زوجیت و همچنین مقتضای اصالةالفساد به‌دلیل شک در صحت و استصحاب عدم‌محرمیت و مذاق شریعت بر مستوریت بانوان و عدم‌اختلاط آنان با مردان و سایر اشکالات بیان‌شده؛ تحقق محرمیت با چنین عقدی با اشکالات عدیده روبه‌رو و منتفی است و بر این اساس اجتناب از آن شایسته و مورد انتظار است.

منابع

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

آخوندخراسانی، محمدکاظم‌بن‌حسین، کفایة الأصول، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۴۰۹ق.
آل‌عصفور، حسین‌بن‌محمد، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرایع، قم: مجمع البحوث العلمیة، بی‌تا.
ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، کتاب من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
ابن‌زهره، حمزةبن‌علی، غنیة النزوع الی علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسهٔ امام صادق(ع)، ۱۴۰۷ق.
ابن‌فارس، احمدبن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، بی‌جا: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
ابن‌فهد حلی، احمدبن‌محمد، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
ابوحبیب، سعدی، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً، دمشق: دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
احمدی‌نیک، سیدمهدی، الربا، نشأته و تطوره، مفاسده و حیله، رسالهٔ سطح چهار حوزهٔ علمیه، به‌راهنمایی آیت‌الله محمدهادی معرفت(ره)، ۱۳۷۸.
اصفهانی، ابوالحسن، وسیلة النجاة، قم: مهر، ۱۳۹۳.
اصفهانی، محمدحسین، الاجتهاد و التقلید: بحوث فی الأصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، بی‌تا.
ایروانی، علی، الاجتهاد و التقلید، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۲ق.
بحرانی، یوسف‌بن‌احمد، الحدائق الناضرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
ـــــــــــــــ، الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة، بیروت: دار المصطفی لاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
بحیری، محمدعبدالوهاب، حیله‌های شرعی ناسازگار با فلسفهٔ فقه، ترجمهٔ حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۶.
بهبهانی، محمدباقربن‌محمداکمل، الرسائل الفقهیة، قم: مؤسسهٔ علامه وحید بهبهانی، ۱۴۱۹ق.
جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸.
حر عاملی، محمدبن‌حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۰۳ق.
حسینی مراغی، عبد الفتاح‌بن‌علی، العناوین الفقهیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
حکیم، سیدمحسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: دار التفسیر، ۱۴۱۶ق.
حلی، محمدبن‌حسن، ایضاح الفوائد، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۷.
حلی، یحیی‌بن‌سعید، الجامع للشرائع، قم: مؤسسة سیدالشهداء العلمیة، ۱۴۰۵ق.
خمینی، روح‌الله، توضیح المسائل، قم: مؤسسهٔ فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۵.
ـــــــــــــــ، تحریر الوسیله، قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۴ق.

خویی، ابوالقاسم، محاضرات فی الأصول، بی‌جا: انصاریان، ۱۴۱۷ق.

ـــــــــــــ، منهاج الصالحین، قم: مدینة العلم، ۱۴۱۰ق.

ذهنی بک، عبدالسلام، الحیل، المحظور منها و المشروع، مصر: شرکة مساهمة مصریة، ۱۹۴۶م.

راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، مفردات الفاظ القرآن، لبنان: دار العلم، ۱۴۱۲ق.

روحانی، صادق، فقه الصادق، قم: دار الکتاب، ۱۴۱۲ق.

زمانی، رسول و دیگران، «نقدهای اخلاقی به نکاح صغیره از منظر اصول زندگی فردی و اجتماعی»، مجلۀ اخلاق زیستی، دوره ۱۰، ش۱، ۱۳۹۹، صص۳۱۱تا۳۲۲. https://doi.org/10.22037/bioeth.v10i1.31611

زمخشری، محمودبن‌عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۶ق.

سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الأحکام، نجف: آداب، ۱۳۹۶.

سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، قم: دفتر آیت‌الله سیستانی، ۱۴۱۶ق.

ـــــــــــــ، توضیح المسائل، قم: دفتر آیت‌الله سیستانی، ۱۴۲۸ق.

شبیری زنجانی، موسی، کتاب نکاح، قم: مؤسسۀ پژوهشی رأی‌پرداز، ۱۴۱۹ق.

شریفی اشکوری، الیاس، منتخب فقرات فقهیه، قم: بیت آیت‌الله الیاس شریفی اشکوری، ۱۳۸۹.

شهید ثانی، زین‌الدین‌بن‌علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، شرح کلانتر، قم: کتاب‌فروشی داوری، ۱۴۱۰ق.

ـــــــــــــ، رسائل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۱ق.

ـــــــــــــ، مسالک الأفهام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.

شهیدی، مهدی، شروط ضمن عقد، تهران: مجد، ۱۳۸۶.

شیرازی، کاظم، شرح العروة الوثقی، به‌تقریر علی کاشف الغطاء، نجف: مؤسسۀ کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ق.

صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن‌باقر، جواهر الکلام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳.

صیمری، مفلح‌بن‌حسن، غایة المرام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار الهادی، ۱۴۲۰ق.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

طباطبائی، علی‌بن‌محمد، ریاض المسائل، قم: آل‌البیت، ۱۴۱۸ق.

طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، دار الکتاب الثقافي - اردن - اربد، ۲۰۰۸ م.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲.

طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد، مجمع البحرین، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.

طوسی، محمدبن‌حسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.

ـــــــــــــــــــ، المبسوط فی فقه الامامیة، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۷.

ـــــــــــــــــــ، تهذیب الاحکام، چاپ‌چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.

ـــــــــــــــــــ، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، بیروت: دار صعب، ۱۳۹۰ق.

ـــــــــــــــــــ، التبيان في تفسير القرآن، دار إحياء التراث العربي - لبنان - بيروت، بی تا.

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و فاطمه طوقانی‌پور، «بررسی جرم ازدواج بـا کـودک»، اندیشـه‌های راهبـردی زن و خـانواده (مجموعۀ مقالات)، ۱۳۹۱، صص۵۵۳تا۵۶۶.

علامه حلی، حسن‌بن‌یوسف، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

ـــــــــــــــــــ، تحریر الأحکام الشرعیة، قم: مؤسسۀ امام صادق(ع)، ۱۴۲۰ق.

ـــــــــــــــــــ، تذکرة الفقهاء، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۳۸۸.

ـــــــــــــــــــ، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۳۷۵.

ـــــــــــــــــــ، نهایة الأحکام، قم: آل‌البیت، ۱۴۱۹ق.

علم‌الهدی، علی‌بن‌حسین، الإنتصار، قم: شریف رضی، بی‌تا.

ـــــــــــــــــــ، المسائل الناصریات، تهران: رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامیة، ۱۴۱۷ق.

علمی سولا، محمدرضا و علی محمدیان، «مبانی ممنوعیـت اسـتمتاع از زوجـۀ نابـالغ در فقـه امامیـه»، مطالعـات راهبردی زنان، س۱۶، ش۶۲، ۱۳۹۲، صص۱۷۶تا۲۱۷.

عیاشی، محمدبن‌مسعود، التفسیر، تهران: مکتبة العلمیة الإسلامیة، ۱۳۸۰.

فاضل لنکرانی، محمد، توضیح المسائل، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

ـــــــــــــــــــ، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة النکاح، قم: مرکز فقهی ائمۀ اطهار(ع)، ۱۴۲۱ق.

فاضل هندی، محمدبن‌حسن، کشف اللثام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.

فخر رازی، محمدبن‌عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق

فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، کتاب العین، چاپ‌دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.

فیض کاشانی، ملامحسن، الوافی، اصفهان: کتابخانۀ امام امیرالمؤمنین(ع)، ۱۴۰۶ق.

ـــــــــــــــــــ، مفاتیح الشرایع، قم: کتابخانۀ آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا.

قرطبی، محمدبن‌احمد، الجامع لأحکام القرآن، مصر: دار الکتب المصریه، ۱۳۵۴.

قمی، علی‌بن‌ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۳.

کاشانی، سیدمحمود، تقلب نسبت به قانون، چاپ‌دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۴.

کاشف الغطاء، عباس، المعاملات المصرفیة، بی‌جا: مؤسسۀ کاشف الغطاء، بی‌تا.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، بیروت: دار صعب، ۱۴۰۷ق

کیهانی، منصور، حقوق رم (تعهدات)، تهران: تابان، ۱۳۴۲.

گلپایگانی، محمدرضا، توضیح المسائل، قم: دار القرآن، بی‌تا.

مجلسی، محمدتقی‌بن‌مقصودعلی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسهٔ فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.

محقق حلی، جعفربن‌حسن، شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.

مرتضی زبیدی، محمدبن‌محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ق.

مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۵.

مغنیه، محمدجواد، ترجمهٔ تفسیر کاشف، قم: بوستان، ۱۳۷۸.

مفید، محمدبن‌محمد، المقنعة، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.

مقاتل‌بن‌سلیمان، تفسیر مقاتل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.

مقدس اردبیلی، احمدبن‌محمد، زبدة البیان فی احکام القرآن، تهران: مرتضوی، بی‌تا.

مقری، احمدبن‌محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: دار الرضی، بی‌تا.

مکارم شیرازی، ناصر، بررسی طرق فرار از ربا، قم: مدرسهٔ امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ۱۳۸۵.

ـــــــــــــــ، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.

ـــــــــــــــ، حیله‌های شرعی و چاره‌جوئی‌های صحیح، قم: مدرسهٔ امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ۱۴۲۸ق.

ـــــــــــــــ، کتاب النکاح، قم: مدرسهٔ امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ۱۴۲۴ق.

موسوی عاملی، محمدبن‌علی، نهایة المرام فی شرح مختصر شرایع الإسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ق.

میرزای قمی، ابوالقاسم‌بن‌محمدحسن، جامع الشتات فی اجوبة السؤالات، تهران: کیهان، ۱۴۱۳ق.

ـــــــــــــــ، رسائل المیرزا القمی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۷ق.

نائینی، محمدحسین، منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، تهران: محمدی، ۱۳۷۳.

نراقی، محمدبن‌احمد، مشارق الأحکام، قم: کنگرهٔ نراقیین، ۱۴۲۲ق.

نراقی، احمدبن‌محمدمهدی، عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

ـــــــــــــــ، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۴۱۵ق.

نوری، حسین‌بن‌محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: آل‌البیت(ع)، ۱۴۰۸ق.

وجدانی فرخ، قدرت‌الله، الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة، قم: سماء قلم، ۱۴۲۶ق.